

# ایران

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** محمد حسن روزی طلب
- سر‌مدیر:** حسام الدین برومند
- معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی) • مصطفی وتوق‌کیا(فرهنگی) • آزاده سهرابی (اجتماعی)


**سخن‌روز**
**امام علی علیه‌السلام:**

امید به رحمت خدا پیروزمندتر از امیدهای دیگر است.

غیر الحکم و درر الحکم

## نگاره

**سپاس نعمت حق بر بی کفشی**

حکایت هجدهم از باب سوم گلستان سعدی



رضا بدرالسماء / نقاش و نگارگر

## فضای مجازی

دعوت از علاقه‌مندان به طنز برای ارسال سریع‌تر آثار خود به یک جشنواره، تحلیل آرمان‌خواهی به عنوان مؤلفهٔ قدرت ملت ایران و نقش حجم و سرعت سرریز اطلاعات در متن و تصویر در عصر جدید در آشفته‌گی ذهنی را در فضای مجازی امروز بخوانید.



بدیدید! داریم جایز بسیار خوبی تدارک می‌بینیم. اختتامیه هم ۱۵ تیرماه با یک سفر خوب در فومن برگزار می‌شه!»



برهنه‌ام را برای سرنیزه‌های شما آماده کرده‌ام. آرمان امام و نه آزروی خام‌اندیشانه در ۲۳بهمن پیروز شد. در جنگ تحمیلی روشن بود که امکانات ایران آن هم در ابتدای انقلاب بعد از کودتای تسلیح می‌شد. ملتی با آرمان دفاع از انقلاب و نظام و ایران به رهبری امام خمینی به صحنه آمد و آرمان پیروز شد. در حمله اسرائیل به لبنان در تابستان ۱۶ سال پیش، امکانات اسرائیل با حمایت آمریکا و صهیونیسم جهانی و برخی کشورهای عربی برای حذف حزب‌الله لبنان، نسبتی با امکانات حزب‌الله نداشت. مجاهدان و رزمندگان حزب‌الله در سمت آرمان ایستادند و پیروز شدند. بعید است که دیگر اسرائیل حمله کند! آمریکا و اسرائیل و برخی کشورهای منطقه از جمله ترکیه و عربستان طرح تجزیه سوریه و عراق و آشوب در لبنان و خلع سلاح حزب‌الله را داشتند. می‌خواستند خلورمیان‌ه جدیدی بسازند. پرچم آرمان مقاومت بود و ستاره مقاومت قاسم سلیمانی، آرمان پیروز شد. آرمان مهم‌ترین امکانات یک ملت است! تلاش بسیاری به لحاظ نظری و تبلیغات صورت می‌گیرد که آرمان را به عنوان آزروی خیال‌اندیشانه تحریف کند و شعله امید و نوانستن را در ملت ما و ملت‌های منطقه خاموش کند. آمریکا با امکاناتش قاسم سلیمانی و ابومهدی را شهید کرد. اما عین‌الاسد پاسخ مقاومت و آرمان بود. اگر آرمان و ایمان و امید که نتایجش را در تاریخ انقلاب اسلامی در ایران و منطقه دیده‌ایم، به عنوان مهم‌ترین دارایی و امکانات یک ملت تلقی کنیم دچار دوگانه آرزو و امکانات نمی‌شویم. آرمان غیر از آرزوست و خود رکن امکانات است. و اعدوا لهم مااستطعتم من قوه، آرمان همان قدرت است.»


**این حجم سرریز اطلاعات، چه بر سر ذهن می‌آورد؟**

مجتبی مجلسی، طراح گرافیست در اینستاگرامش ضمن اطلاع‌رسانی از برگزاری نشست‌های تخصصی «گپ و گرافیک» در شرح ضرورت گفت‌وگو درباره تصویر در عصر مدرن نوشت: «متن» و «تصویر» چه در هر قالب و چه در هر قالب و مدیوم رسانه‌ای عناصری هستند که نمی‌شود حضور پُررنگ‌شان را نادیده گرفت. در دنیای ما که با شتابی حیرت‌آور در حال دگرگونی است، در شبانه‌روز بیش از صدها هزار تصویر و متن را از جلوی چشمانمان در رسانه‌های مختلف می‌گذرانیم. میزان ورودی اطلاعات متنی و تصویری ما قابل قیاس با انسان چند دهه گذشته نیست. آن‌قدر در متن و تصویر احاطه شده‌ایم که حال‌مان بد شده و به اصطلاح «اوردوز» کرده‌ایم! در واقع اطلاعاتی که انسان معاصر در عصر فناوری‌های نوین فقط در یک روز از زندگی‌اش دریافت می‌کند برابر تمام اطلاعاتی است که انسان قرن هجدهم در تمام طول عمر خود دریافت می‌کند! چنین سرعت و حجمی از اطلاعات چه بلایی بر سر ذهن مخاطب و یا بهتر بگوییم بر سر «متن» و «تصویر» می‌آورد؟ این‌ج حجم از اطلاعات یک مزیت است یا یک چالش بزرگ؟ به قطع یقین ذهن ما هر چقدر هم شگفت‌انگیز و پیچیده باشد قادر به آنالیز و تحلیل این همه داده‌های متنوع که هرروز به آن مغزابه می‌شوند نیست. انسان معاصر به نسبت انسان چند دهه قبل خود، قادر نیست هر تصویر یا متنی را که به او عرضه می‌شود ببیند یا بخواند. اشکال از سیستم بینایی یا ضعف یادگیری نیست، اشکال از حجم انبوه و غرق‌شدگی انسان معاصر در اقیانوسی از متن و تصویر است.»

- بنفشه غلامی(جهان) • علی کاکا دزفولی (سیاست)
- لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش)
- زهررا کشوری(زیست‌بوم) • سعید زاهدیان(ورزشی)
- مهدی کلهرزاد(اجرای)
- حجت حکیمی (صفحهٔ‌رای) )
- محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی (عکس)

## نقل قول



**قاسم تبریزی** مورخ و پژوهشگر تاریخ معاصر

## قیامی ضد استعمار ایران و برای تحکیم پایگاه اسلام

در قیام ۱۵ خرداد، گروه‌ها و احزاب خود را نه تنها میرا می دانستند بلکه حتی به تعبیر جلال‌آل احمد «با شکوه از روی این خون‌ها می‌گذرند» و یا آن را شورش کور می دانستند، رادیو مسکو مطرح می‌کند که عده‌ای مرتجع به کتابخانه‌های تهران حمله کردند و مراکز فرهنگی را تخریب کردند، یا جبهه ملی اعلام می‌کند ما خودمان را از این شورش میرا می دانیم. در حقیقت این قیام یک حرکت کاملاً اسلامی و هدف آن نیز حرکت براساس مبانی اسلام بود. روند حرکت بعد از قیام امام و آزادی ایشان همچنان ادامه پیدا می‌کند و در حقیقت حرکت هیچ‌وقت تعطیل نمی‌شود و همچنان استمرار پیدا می‌کند، به عنوان نمونه بعد از آزادی حضرت امام ایشان در سالگرد قیام ۱۵ خرداد، طی سخنانی جنایات رژیم را بر می‌شمارند و به همراه علامه طباطبائی، آیت‌الله گلپایگانی و برخی مراجع دیگر بیانیه‌ای ارائه می‌کنند و همچنان بر حضور استعمار در ایران که در رأس آنها آمریکا و در ذیل آن اسرائیل و انگلستان قرار داشتند و برنامه آنها برای نابودی اسلام در این مملکت بود تاکید کردند. |بخشی از گفت‌وگوی مهر با قاسم تبریزی، مورخ و پژوهشگر تاریخ معاصر

## طنز

ماجرای خاتم‌آقای او

## اندر احوالات زبان‌بسته‌های زبان نفهم

روزگار شباب... خیلی شباب! حکایتی شنیدیم به این منوال که مظفرالدین شاه آمد پای پرده سینما، دیدم لکومونیوی یکوب به سمتش می‌آید قیل وقال راه انداخت، گفتند: « قبله عالم باور بغرمایید فیلم است. « گفت: « احقم جان ما می‌دانیم فیلم است و شما می‌دانید فیلم است، خودش که نمی‌داند فیلم است!» تعریف می‌کردیم و یک دل سیر قبله عالم! به سخره می‌گرفتم.

ما لطیفه می‌گفتم و قه‌اه قه‌اه می‌خندیدیم و زندگی سر حوصله همان سمر و ماجرا به سرمان می‌آورد. برای مثال می‌دانستیم «شعله» فیلم است لکن آنجا که ذیل یک مرد قه‌صه خرده شیشه ریختند به داد دخترک نرسد، به جهت آنکه ما ملثقت بودیم فیلم است لکن خودشان نمی‌دانستند فیلم است، جگرمان خراش می‌افتاد ضجه می‌زدیم. یا ساکناس آخرمدار صفردرجه که حبیب به ساسا رسید، وصالشان به پیری افتاد، به پنهان صورت اشک ریختم و دلمنان ترک ترک شد از درد فراق. ما می‌دانستیم، مادرمرده‌ها خودشان نمی‌دانستند فیلم است. آقای او به لودگی گرفتمان که زن حسایی، اینها آکتورند، بغض و گریه ندارد، که لکن خودش فوتبال می‌ببند پی‌ای تلویزیون عریده می‌کشد و به جهت کوچینگ، امریه صادر می‌کند که پاس بده! انگارمی‌کند مسی آن سرریع مسکون ایستاده آقا فرمان بدهند او امثال امر کند. یا با آقای پسر، فیفا بازی می‌کنند، مگررا این بلیلیک پی اس می‌کوبد صدر کشکک زانوش داد می‌زند: «گلش کن...». لاید بازیکن انیمیشنی هم می‌گوید: «چشم!»

حقا که این رجال هرچه سن وسالشان باشد باز طفل صغیرند. لکن به خان‌جان می‌گفت دلت شور پریشانی ملک بی‌صاحب مانده جومونگ را نزنند! خان جان خدا بیامرز هر نوبه می‌نشست قربان صدقه گلدان‌هایش می‌رفت می‌شنفتند ناشنا غنچه می‌داند. غلط نکنم خان‌جان زبان جن و پری سرش می‌شد. لذا لزومی به استذکار نیسود همین که خان‌جان می‌نشست به گپ و گفت وکنار با آکتور فیلم و بلبلی روی درخت و آتش چراغ مطبق و مرغ حاق دیک، خیالمان آسوده می‌شد فی‌التهابه مذاکره نم‌ر داده اوضاع به سلامت به کنار می‌رسد.

ما به جهت اینکه در زینت داری و سلیقه و کدبانوگری زبانزدیم و سرآمد، سررو کارمان نظم‌نسق و نظافت زیاد است لکن هرپا آدمیم سرگرم رفت و روب شویم و کار به جارو کشید، با اثاثیه منزل به اختلاف خوردیم. جاروبرقی بد زبان نفهمی است. می‌پچیج به راست، اطلاع هم می‌دهیم، کند ذهن نافرمان یا به تیرو تخته دست می‌اندازد و واژگون شده اسباب توحش و تنفر ما فراهم می‌کند. زبان ناهقم بی‌شعور نمی‌داند جارو است چرخ دارد پرخرد حاق منزل کار ما سبک شود. عوضش آقای او هر نوبه اول استارت نخورد نشست به خاطره گفتن و عجز و التماس، اتول از عزت و احترام به سرکدا افتاد روشن نشد! سر صبحی آدمیم تلویزیون ببینیم روشن نشد، آقای پسرگفت لامپش عیب کرده والا ما که زبان اسباب اثاثیه سرمان نمی‌شود، رنم ذاک با جارو سر قوریم، شنستیم آقای او نزول اجلال کند ببینیم به حرفش روشن می‌شود یا باید به زبان مسکوکات دلش به رحم بیآوریم...

## پیشنهاد

- بنفشه غلامی(جهان) • علی کاکا دزفولی (سیاست)
- لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش)
- زهررا کشوری(زیست‌بوم) • سعید زاهدیان(ورزشی)
- مهدی کلهرزاد(اجرای)
- حجت حکیمی (صفحهٔ‌رای) )
- محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی (عکس)

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پایامک:** ۴۰۰۰۴۱۱۲۳ • روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۵۳۲۸۸-۵۳۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارند‌ه گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۰ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

## یادداشت



**نادر سهرابی** نویسنده

## برای چه رمان می‌نویسیم؟

وقتی به ظواهر امر نگاه می‌کنیم، ممالکی که همواره به آنها رشک برده‌ایم و از سویدای جان خواسته‌ایم شبیه آنها باشیم، با قوتی ستودنی در ادبیات داستانی پیش رفته‌اند و رمان‌های بزرگی را خلق کرده‌اند. توضیحات اندیشمندان تاریخ و هنر و تمدن اغلب برای این نکته تصریح دارد که این تقارن اتفاقی نیست، بلکه اتفاقاً رمان داشتن تمدن داشتن، دو روی یک سکه‌اند. رمان عالمی را که زندگی در آن ماجرا دارد روایت می‌کند. این ماجرا داشتن یعنی زنده بودن و متفاوت از همه

اعصار دیگر و همه نقاط جغرافیایی دیگر بودن؛ یعنی در روایت رمان اتفاقی دارد می‌افتد که اتفاقی نیست، بلکه بخشی از عمر یک ملت است که دارد بزرگ می‌شود و تمدن می‌سازد.

شاید به همین دلیل است که ما هم گمان

می‌کنیم که به هر قیمتی شده باید رمان داشته باشیم. اما در این مسیر اغلب چیزی فراموش می‌شود یا اشتباه گرفته می‌شود. ما فکری می‌کنیم که رمان قرار است به‌طور مستقیم توضیح‌دهنده ما و افکار ما باشد. در برخی از رمان‌هایی که ما ذیل این مقصود می‌نویسیم، بخشی از تاریخ سیاسی کشورمان، از خلال یک داستان مرتبط، شرح داده می‌شود. این داستان مرتبط، معمولاً طوری انتخاب می‌شود که تمام جزئیات و حواشی حوادث تاریخی و قدرت‌های درگیر آن که ما بنا داریم درباره‌شان بیانیه‌ای بدهیم، توضیح داده شود. حتی وقتی می‌خواهیم این کار را تا حد توان غیرمستقیم انجام دهیم، نهایتاً شخصیتی را خلق می‌کنیم که به قیودات و ضوابط دینی و فقهی ما بی‌اعتناست و بعد تمام آنچه می‌خواهیم خودمان بگوییم، از زبان او می‌گوییم تا گفته باشیم که این یک آدم بی‌طرف است که دارد این حرف‌ها را می‌زند.

اما واقعیت این است که اگر خوب دقت کنیم، تمام رمان‌های بزرگی که همیشه به آنها رشک می‌بریم، مخاطب خودشان را نه با ایده‌های سیاسی و اعتقادی و یا تاریخی که روایت می‌کنند، بلکه با طرح روابط انسانی و خلق موقعیت‌های دراماتیک با خود همراه می‌کنند. روابط انسانی همیشه وجود دارند و موقعیت‌های دراماتیک نیز.

نویسنده‌های بزرگ با شرح این قسمت امور انسان یک عصر و به تعبیر بهتر، عالمی را پیش چشم ما می‌کشایند و رخداد‌های تاریخی در حاشیه چنین قصه‌هایی که اتفاقاً هیچ ربطی به رویداد‌های سیاسی آن بیرون ندارند، به خود مخاطب می‌روند. چیزی که ما در این رمان‌ها می‌بینیم این است که سیاست با زندگی چه البته که نمونه‌هایی که این‌طور نیستند نیز وجود دارند؛ مانند جنگ و صلح یا پتراول اما این رمان‌ها از همان نامشان وعده‌های شرح تاریخ را نداده‌اند و تازه با این حال، باز هم از خلق انسان و ابعاد وجودی او از رهگذر موقعیت‌های داستانی غافل نمانده‌اند.

آنچه گفته شد، صرفاً تذکری به نویسنده متعهد امروز ایرانی بود برای اینکه جلوی دستپاچی و سراسیمگی خودش را بگیرد و به‌جای طرح قصه‌هایی که نیت او را در همان صفحات ابتدایی آشکار می‌کند، تلاش کند که یک زندگی خلق کند. یک زندگی که مخاطب آن را باور می‌کند.

## عکس‌نوشت



روستای بندبن در جنوبی‌ترین منطقه ساری، بخش چهاردانگه در شهرستان کیاسر، از امکانات اولیه زندگی مانند جاده مناسب محروم است. از زیباترین جاذبه‌های این منطقه عبور رودخانه اسپدروود (جذب) است که به سدسلیمان تنگه منتهی می‌شود. وجود باغ‌های «سیاه‌ریشه» که مهم‌ترین آن گیلاس است منبع درآمد اصلی این روستا در کنار دامداری است. اهالی روستا برای جلوگیری از تخریب درختان گیلاس توسط خرس‌ها، شب‌ها در لاجچیق‌هایی که در باغ ساخته شده می‌مانند. نداشتن جاده مناسب و خطوط اینترنتی از سختی‌های این روستا برای جوانان است که انگیزه کار و باقی ماندن در شغل‌های اجدادی‌شان را برایشان کم کرده است. |ايسنا



عقل‌ایمانی، جوشخه‌عادل‌است

اسپان و حاکم‌شهر دل‌است

همچو‌گره باشد او بیدار‌هوش

دزد در سوراخ‌ماند، همچو‌موش

عقل در تن، حاکم‌ایمان‌بود

که ز بیمش، نفس در زندان‌بود

**شیخ‌بهایی**

<sup>[1]</sup> در قیام ۱۵ خرداد، گروه‌ها و احزاب خود را نه تنها میرا می دانستند بلکه حتی به تعبیر جلال‌آل احمد «با شکوه از روی این خون‌ها می‌گذرند» و یا آن را شورش کور می دانستند، رادیو مسکو مطرح می‌کند که عده‌ای مرتجع به کتابخانه‌های تهران حمله کردند و مراکز فرهنگی را تخریب کردند، یا جبهه ملی اعلام می‌کند ما خودمان را از این شورش میرا می دانیم